

دور یادور دنیا

۳۵

فرانسه/رومانی | ماتئی ویسنی یک  
داستان خرس های پاندا  
به روایت یک ساکسیفونیست که دوستی در فرانکفورت دارد  
وسه شب با مادوکس  
ترجمه‌ی تینوش نظم‌جو



نشرنی

## پیش‌گفتار مترجم

سال دو هزار از کودکی می‌شنیدیم که سال سقوط و سال فرار است، برای من سال بازگشت بود. با چمدانی پر از رؤیا و تخیل و نمایشنامه به تنها جایی بازگشتم که تئاتر برایم تمام معنای خود را هنوز نگه داشته بود و هنوز هم نگه داشته. تئاتر ایران، دور از صحنه‌های نمایشی قراردادی و منجمد فرانسه، برای من افق تازه‌ای را می‌گشود. کلام تئاتری، فضای زنده، رویارویی با تماشاگر تشنه و گرسنه‌ی آن‌چه صحنه می‌تواند برایش به ارمغان بیاورد، همه‌ی این‌ها معنای راستین خود را در همان اجراها و تمرین‌های اولی که در تئاترشهر دیدم پیدا می‌کرد.

چند ماهی از رسیدنم گذشته بود و من هم گرسنه و تشنه‌ی مشارکت در این فضای مسرت‌بخش و مهیج بودم، اما نمی‌دانستم از کجا باید آغاز کرد. یک به یک نمایشنامه‌هایی را که با خود آورده بودم مرور می‌کردم و یک به یک هر کدام را کنار می‌گذاشتم. نه، این یکی برای این‌جا نیست، این یکی برای الان نیست، این یکی برای این‌جا و الان نیست... تا این‌که به یاد روزهای آخری که با ماتی ویسنی یک در

پاریس گذرانده بودم افتادم، و نمایشنامه‌هایی که بهم داده بود بخوانم. آن زمان ماتی ویسنی یک هنوز آن نمایشنامه‌نویسی نبود که تعداد اجراهایش هر سال در جشنواره‌ی آوینیون به تعداد اجراهای نمایش‌های شکسپیر و مولیر برسد. آن زمان تازه یکی از مهم‌ترین سالن‌های دولتی پاریس پیکر زن همچون میدان نبرد در جنگ بوسنی را روی صحنه برده بود.

وقتی داستان خرس‌های پاندا به روایت یک ساکسیفونیست که دوست‌دختری در فرانکفورت دارد را همین‌طوری، سر پا، برای مهشاد مخبری خواندم، درحالی‌که چشم‌هایم فرانسوی می‌خواند و لب‌هایم فارسی می‌گفتند، به پایان نمایشنامه که رسیدیم برایش جای شک نبود، باید با همین نمایشنامه کارمان را آغاز می‌کردیم. به چشم‌های گردشده‌ی نخستین مخاطب فارسی‌زبان ماتی ایمان آوردم و این دو نمایشنامه تقریباً همزمان در عرض چند شب ترجمه و ویرایش شد.

کم‌تر از یک سال بعد داستان خرس‌های پاندا... در جشنواره‌ی فجر و سپس برای اجرای عمومی در تئاتر شهر روی صحنه رفت و پیش از آن نشر ماهریز هر دو نمایشنامه را منتشر کرد. سال‌ها این دو نمایشنامه تجدید چاپ شد تا این‌که نشر ماهریز بی‌خبر از میان ما رفت و این دو کتاب نیز در ایران نایاب شد.

امسال گمان کردیم این دو نمایشنامه را کنار هم بگذاریم و این دوگانه‌ی ماتی ویسنی یک را با ویرایشی جدید دوباره در دسترس علاقمندان بگذاریم.